

راز تشابه منافقین با داعش

۲ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۴۴

این ایام گرچه به نام قوه قضاییه نامیده شده و بیشتر یادآور شهادت آیت‌الله بهشتی و یارانش است، اما مروری بر روزهای سال ۶۰ در چنین مقطعی، نشان‌دهنده حوادث مهمی است؛ حوادثی که سال‌های ابتدای انقلاب را برای مردم با خاطراتی درس‌آموز و البته تلخ همراه کرده است.

اواخر خرداد ماه سال ۱۳۶۰ بود که بنی صدر پس از آشکار شدن خیانت هایش از ریاست جمهوری خلع شد و سازمان مجاهدین خلق نیز در همین ایام در حمایت از رئیس‌جمهور مخلوع، وارد فاز نظامی و ترور شد و پیوند خوردن این دو عنصر شوم، روزهای دردناکی را برای تاریخ انقلاب رقم زد که با ترور آیت‌الله خامنه‌ای و انفجار دفتر حزب جمهوری آغاز شد و گروهی را که ابتدا برای مجاهدت در راه احقاق حقوق مردم تشکیل شده بود به جایی کشاند که هنوز با وجود این که دیگر توانی ندارد از هیچ تلاشی برای خیانت در حق ملت ایران کوتاهی نمی‌کند.

اما وقتی صفحات تاریخ را ورق می‌زنیم، می‌بینیم چنین گروه‌هایی تنها محدود به گروهک منافقین که هدفشان ملت ایران بود، نیست و هم قبل از آنها برخی گروه‌های تروریستی وجود داشته‌اند و همچنین اکنون شاهدیم که هر روز گروه‌هایی تازه تاسیس ایجاد می‌شوند که یکی از آخرین آنها داعش است.

درباره انقلاب اسلامی، از همان ابتدا برخی جریان‌ها و گروه‌هایی که تحت تاثیر غرب و شرق بودند منافع خود را در خطر دیدند که یکی از این جریان‌ات، گروه فرقان بود؛ گروهی که به رهبری یک طلبه اخراجی به نام اکبر گودرزی، از شاخص‌ترین گروه‌های مخالف با روحانیت بود و جمهوری اسلامی را مجری احکام اسلام نمی‌دانست.

گودرزی بیست و پنج ساله کار خود را به نام دین انجام می‌داد و بچه‌های مذهبی و افراد سطوح پایین را به سمت خود جذب می‌کرد تا به اصطلاح تفکرات التقاطی خودشان برای روی کار آمدن حکومت اسلامی، رهبران تاثیرگذار انقلاب را مورد هدف قرار دهند.

قاتل استاد شهید مرتضی مطهری، محمدعلی بصیری بود که در اعترافاتش می‌گوید: من اصلاً استاد مطهری را نمی‌شناختم، ولی از آنجا که نسبت به روحانیت، کینه‌ای عمیق داشتم، بعد از این که در بین افراد گروه مطرح شد که می‌خواهیم یکی از روحانیون

مهم شورای انقلاب را ترور کنیم، من داوطلب این کار شدم؛ ولی بعد فهمیدم چه اشتباه بزرگی مرتکب شده ام.

اما در فهرست ترورهای این گروهک، نام های ارزشمند زیادی دیده می شود که شهید مطهری، شهید مفتاح، حاج مهدی عراقی و فرزندش، سپهبد قرنی، سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی و... از آن جمله هستند.

گروه دیگری که همیشه خود را طلبکار از انقلاب و مردم ایران می دانست منافقین بودند که نام سازمان مجاهدین خلق را برای خود برگزیده بودند.

اول تیر برای مردم ایران همواره یادآور روزهای خونینی است که این گروهک به اصطلاح سیاسی با آغاز اقدامات مسلحانه، اولین جنایت های وحشیانه خود علیه ملت ایران را کلید زد. این سازمان تروریستی سال ۱۳۶۰، پس از بروز مسائل مختلف با همراهی رئیس جمهور معزول (بنی صدر) به رویارویی با نظام پرداخت و وارد فاز نظامی و مسلحانه شد.

از آن پس، این سازمان تروریستی طی سه ماه، با نفوذ در نهادهای مختلف به ترتیب دفتر حزب جمهوری اسلامی، دفتر نخست وزیری و دفتر دادستانی کل انقلاب را منفجر کرد، رؤسای قوای مجریه را به شهادت رساند.

سودابه سدیفی، مشاور بنی صدر، بعد از دستگیری اعتراف کرد پس از عزل قانونی رئیس جمهور از سوی مجلس و پنهان شدن او، بنی صدر به مسعود رجوی، (سرکرده منافقین) پیام داد باید شروع به زدن راس آنها (حاکمیت نظام جمهوری اسلامی) نمود.

رجوی با مرحله بندی کردن جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی می گوید: در مرحله اول، نوبت سران سیاسی بود. قبل از هر چیز، شاه مهره ها هدف بودند که از سال ۱۳۶۰ به این ترتیب آغاز شد: هفت تیر، انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شهادت آیت الله بهشتی و ۷۲ نفر از یاران موثر انقلاب؛ هشت شهریور، شهادت رجایی و باهنر؛ چهارده شهریور، شهادت آیت الله قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی؛ بیست شهریور، شهادت آیت الله مدنی؛ چهارده مرداد، شهادت دکتر حسن آیت، نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی؛ هفت مهر، شهادت حجت الاسلام عبدالکریم هاشمی نژاد؛ بیست آذر شهادت آیت الله شهید دستغیب و یارانش.

همچنین سال ۱۳۶۱ نیز یازده تیرماه آیت الله صدوقی و در بیست و سه مهر نیز آیت الله اشرفی اصفهانی به دست منافقین به شهادت رسیدند.

این ترورها ادامه داشت و این سازمان تروریستی برای ایجاد رعب و وحشت با ترورهای کور در کوچه و خیابان از مردم انقلابی انتقام می گرفت که چند مورد از این ترورها نیز عبارتند از: سیزدهم مرداد ۱۳۶۱، ترور یک لاستیک فروش (حاج احمدی)، ششم شهریور ۱۳۶۱ به رگبار بستن یک لبنیاتی، ششم شهریور ۱۳۶۱ انفجار یک اتومبیل و شهادت هفت نفر و هشتم شهریور ۱۳۶۱

ترور یک خواربارفروش. آمار ترورهای این سازمان در سال های ۶۰ و ۶۱ به ۳۶۶ مورد می رسد که بیش از ۹۰ درصد آنها در پایتخت اتفاق افتاده است.

این گروهک تروریستی با شروع جنگ تحمیلی صدام و همپیمانان غربی اش علیه ایران، در کنار دشمنان قسم خورده ملت به رویارویی با مردم پرداخت و ننگ وطن فروشی و مزدوری برای اجانب را نیز برای همیشه تاریخ برای خود خرید.

در طول سال های جنگ و بعد از آن، جنایات منافقین در حق ملت ایران ادامه داشت و این همه در حالی است که غربی ها در این سال ها نه تنها اقدامات این گروهک تروریستی را محکوم و تقبیح نکرده بلکه نام این گروهک را از فهرست گروه های تروریستی خارج کرده و سناتورها و سیاستمداران آنها در برنامه های تبلیغی این گروهک حضوری پررنگ دارند!

اما جدیدترین اتفاقی که بار دیگر نام این گروهک تروریستی را بر سر زبان ها انداخت، اعلام همپیمانی این گروهک با تروریست های تکفیری منطقه از جمله جبهه النصره و داعش بود، به طوری که گروهک تروریستی نفاق که برای جلب توجه رسانه ها و جامعه جهانی دست و پا می زند با ذوق زدگی تمام از هجوم تروریست های داعش به موصل و وحشیگری جنایتکاران تکفیری تمجید کرده و تصرف موصل را به آنها تبریک گفته است. این گروهک پیش از این، خودروها و سلاح های خود را به داعشی های جنایتکار اهدا کرده بود.

این شواهد نشان می دهد حال که عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال تضعیف محور مقاومت هستند که یک ضلع آن سوریه و ضلع دیگر آن عراق است، گروهک تروریستی منافقین نیز فرصتی یافته است که بار دیگر در رقابت با دیگر گروه های تروریستی نشان دهد در سبوعیت و جنایتپیشگی چیزی از گروه های تروریستی نوظهور منطقه کم ندارد.

اوایل خرداد ۱۳۹۳ نیز همسر مسعود رجوی سرکرده گروهک منافقین با احمد الجربا، فرمانده مخالفان دولت سوریه دیدار کرد و با یکدیگر بر لزوم تداوم جنگیدن با جبهه مقاومت و دشمنی با ایران و سوریه تاکید کرده بودند.

چرا منافقین تا این اندازه از افراطیون حمایت می کنند؟ به عبارتی چه سری در حمایت مطلق عوامل فرقه مجاهدین خلق از گروه های تندرو وجود دارد؟ گروه هایی که در سایه فعالیت آنها جنایتکارانی چون داعش، سر بر می آورند.

در پاسخ به این پرسش باید به دو مؤلفه مهم توجه کرد. مؤلفه نخست شیوه و عملکرد این گروه هاست. مخالفان دولت سوریه و عراق به بدترین و بی رحم ترین شکل ممکن به خشونت دست می زنند. این شیوه و الگوی خشن یادآور حمله فرقه مجاهدین خلق به برخی مردم شهرهای مرزی ایران است. مؤلفه دوم به شباهت این دو در برداشت های تحجرامیز و عقب افتاده است که از اسلام ارائه می کنند. داعش که در لوای فعالیت مخالفان دولت سوریه، توسعه یافت راوی برداشتی از اسلام است که جامعه را به سمت قهقرا پیش می برد.

این دیدگاه به دیدگاه طالبانی معروف است. فرقه مجاهدین خلق نیز مانند این گروه منحرف دارای افکار جزمی و انحرافی ایدئولوژیکی هستند که باعث مطلق نگری آن شده است. البته دلایل سیاسی نیز در حمایت فرقه مجاهدین خلق از داعش تاثیرگذارند، اما مشخصا افکار و اندیشه های عقب افتاده و روش های تروریستی از مهم ترین ویژگی های مشترک داعش و فرقه مجاهدین خلق است که سرنوشت این گروهک های تروریستی را به یکدیگر گره می زند و می توان گفت در حقیقت، همه این گروه ها، سر و ته یک کرباس هستند.

منابع:

۱- جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان

۲- رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی، سیداحسان جوانمرد

۳- نگاهی به تاریخچه سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/27340/داعش-منافقین-تشابه-راز/>